

## تقدیم به حاج باقر ترقی (رقت)

## ورّاقی در یکصد سال گذشته

(به قلم سید احمد هُرْمُزْد)

در یکی از روزهای سال جاری (۱۳۸۸) فرصتی دست داد تا در دفتر فاضل گرامی جناب کریم اصفهانیان در بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار خدمت جناب حاج باقر آقا ترقی برسم. در اثنای گفت‌وگو، از اوراق خطی پراکنده در قلمرو نسخه‌شناسی صحبت به میان آمد. حاجی نشانه‌ی اوراقی از احمد هرمزد را فرمودند که سالی بود به کتابخانه‌ی ملی واگذار کرده بودند و اکنون در میان مجموعه کتب واگذار شده‌ی ایشان به آن کتابخانه نگهداری می‌شود. متأسفانه با مؤلف این رساله هیچ‌گاه افتخار آشنائی نداشتم، ولی دوستانی که با او محشور بوده‌اند، وی را مردی متمکن و علاقه‌مند به تاریخ و فرهنگ ایران و مآلاً اسناد و نسخه‌های خطی یاد می‌کردند. روح شادروان احمد هرمزد شاد که با نوشتن خاطرات خود - هرچند اندک - علاقه‌مندان به نسخه‌های خطی را با گوشه‌ای از راسته‌ی وراقان طهران در یکصد سال پیش ازین آشنا ساخت.

نادر م. کاشانی

## بسمه تبارک و تعالی شأنه العزیز

این قرآن کریم که متن آن روی پانصدونوزده ورق یا یکهزاروسی‌وهشت صفحه پوست آهوی بسیار لطیف، آهار و مهره زده نوشته شده، در سال ۱۰۲۳ قمری هجری به خط مرحوم ظهیرالدین پسر محمد کاتب اصفهانی با کمال دقت و استحکام به رشته‌ی تحریر درآمده است.

چون بعضی از خوانندگان در طول قریب چهار قرن قرائت صفحات آن را با انگشتان غیر تمیز، و دست‌های آلوده به چربی غذا<sup>۱</sup> و ترشح آب دهان و ریزش اشک چشم<sup>۲</sup> سیاه کرده بودند، چند ماه از اوقات خود را صرف کردم تا چربی‌ها و سیاهی‌ها را از روی صفحات به این لطافت پاک کردم و کلیه‌ی اوراق متن را براق (مهره زد) نمودم. برای آنکه آقایان ارباب سلیقه و تحقیق ملاحظه فرمایند صاحبان این قرآن کریم برای به وجود آوردن و احیاء آن چه مخارجی را متحمل شده و صنعتگران فن کاغذسازی و صحافی و اساتید فنون تحریر چه صنعت‌هایی به کار برده‌اند شمه‌ی بی از آنها را ذیلاً می‌نگارد:

۱. قریب چهل سال پیش، از آقا محمدباقر، صحاف کم‌نظیر شهر<sup>۳</sup> شنیدم اساتید فن از شکنجه‌ی (در طهران سیرابی نام دارد ولی در بلاد غربی ایران گده نامیده می‌شود) حیوانات حلال گوشت اوراق بسیار لطیفی باز می‌کردند و آنها را آهار و مهره می‌زدند.

۲. گرچه متن و حاشیه کردن قرآن‌های کریم و کتاب‌های مورد علاقه‌ی بزرگان مملکت نوعی تزئین پرخرج به حساب می‌آمده ولی این صنعت ظریف به این جهت طرف علاقه قرار می‌گیرد که اولاً: پوست آهو و کاغذهای عالی (مثل کاغذ خان‌بالغ و سمرقندی و ترمه که با خمیر ابریشم ساخته می‌شده) کمیاب و گران‌قیمت‌تر از کاغذهای ساخت کارخانه‌های اصفهان و بغداد بوده است؛ ثانیاً: در اثر سال‌ها قرائت و بی‌مبالائی خوانندگان به صفحات و مخصوصاً به حاشیه‌ی قرآن‌ها و کتاب‌ها صدمات بسیاری وارد می‌شده

<sup>۱</sup> تا چند سال پیش ایرانیان غذا را به تقلید از اعراب با دست تناول می‌فرمودند و چون بعد از صرف غذا دست‌ها را با صابون نمی‌شستند قدری از چربی غذا در دست آنان باقی می‌ماند و با ورق زدن و لمس صفحات آنها رازد و لگه‌دار می‌کردند. [تمامی پانویس‌ها از نویسنده‌ی این رساله یعنی مرحوم احمد هُرْمُزْد است.]

<sup>۲</sup> با آنکه غالبی از خوانندگان از شأن نزول آیات شریفه و حتی معنی کلمات بی‌اطلاع بوده‌اند معلوم نیست چرا در موقع قرائت قرآن کریم گریه را سر می‌داده، اوراق آن را سیاه می‌کردند.

<sup>۳</sup> با فقدان مرحوم آقا محمدباقر صحاف، ساختن و آهار و مهره زدن و افشان کردن و رنگ آمیزی پوست آهو و کاغذهای الوان براق مرغوب از کشور قدر ندان ما رخت بریست.

و بعداً که این آثار نفیس به دست مردم مستطیع و ارباب دانش می‌رسیده مخارج گزاف متن و حاشیه کردن و وصالی و احیاء آنها را متحمل می‌شدند و بر خود می‌بالیدند.

۳. شرط متن و حاشیه کردن هر ورق قرآن یا کتابی در این است که صحاف حاشیه را با دقت ببرد و به اندازه یک قیطان آن را یا دو پوست کند یا با شَفَره طوری نازک کند که با چسبانیدن آن به حاشیه داخلی کاغذ حاشیه با متن مساوی درآید. علت تحمل این زحمت و دقت این است که با چسبانیدن چندین صد ورق محل تقاطع متن و حاشیه خود را بلند و ضخیم‌تر نشان ندهد. در سال‌های اخیر استادان فن برای متن و حاشیه کردن / هر ورقی از دو تا سه تومان اجرت مطالبه می‌کردند که الحق ارزش داشت.<sup>۴</sup>

۴. اجرت طلااندازی روی اتصال دو ورق متن و حاشیه و خط‌های بسیار باریک و ظریفی که دو طرف طلای مزبور با پرگار کشیده می‌شده و جمعاً جدول‌کشی نام دارند و کمنداندازی سه طرف دور هر صفحه هر جزوه‌ئی<sup>۵</sup> امروز سی تومان است. ولی اگر بخواهند جدولی مرصع بکشند (مثل جدول این قرآن کریم) باید چهل تومان به مذهبین پرداخت نمود.

با این حساب و توجه به این نکته که این قرآن کریم شصت و پنج جزوه است، برای متن و حاشیه کردن، جدول‌کشی و کمنداندازی هر صفحه آن باید سه هزار و شصت تومان پرداخت نمود. و اگر بخواهیم قیمت پوست متن و کاغذ آهار و مهره حاشیه، اجرت تحریر، سرلوح‌سازی<sup>۶</sup> و جلد نقاشی آن را که مشهور به مرغش<sup>۷</sup> است به حساب بیاوریم مبلغ فوق‌العاده‌ئی به نظر خواهد آمد.

امروز آقایان ارباب دانش و آنان که در کار کتب و قرآن‌های نفیس و اشیاء عتیقه دخیل هستند برای تحریر کتب و قرآن‌ها قیمتی قائل نیستند ولی اخیراً این فکر در بین بعضی از آنها پیدا شده که برای هر ورق قرآن کریمی که روی پوست نوشته شده باشد ده تومان قیمت‌گذاری نموده و در بین خود به معامله می‌پردازند.

در سال‌های اخیر که باب مرادوات به روی خارجی‌ها و جهان‌گردان باز شده و دانشمندان و فضلاء ممالک اسلامی به کشور عزیز ما آمده‌اند چون ملاحظه نمودند خوشنویسان و مذهبین هیچ یک از ممالک مذکور قرآن کریم را به خوبی و منقحی خوشنویسان و مذهبین چیره‌دست ایرانی ننوشته و تذهیب نکرده‌اند، اکثر قرآن‌های نفیس و بی‌مانند را خریداری کرده آنها را زینت بخش کتابخانه‌ها و موزه‌های ممالک خود قرار داده‌اند.

با آنکه قرنیه چشم‌مانم خراب شده (به قول عوام چشم‌مانم آب آورده و به اصطلاح آقایان دکترها به مرض کاتاراکت مبتلا شده‌ام که باید عمل شود) و به اشکال می‌توانم قلم را به حرکت درآورم، این توضیحات را بنا به میل آقای مهندس ابراهیم گوهریان که نزد من بنده بسیار عزیز و مکرّم است نوشتم و از خوانندگان امید عفو و اغماض و دعای خیر را دارم.

چون عادت بر این جاری است که صاحبان قرآن‌های کریم من باب تیمّن و تبرک تاریخ تولد فرزندان خود را پشت اوراق قرآن‌ها مرقوم می‌دارند، چند ورق کاغذ آهارمهره مرغوب که خودم ساختم در اول و آخر این قرآن کریم افزودم که این قبیل یادداشت‌ها را روی آنها مرقوم بدارند و این بنده را به دعای خیری یاد بفرمایند.

به تاریخ سه‌شنبه ۱۱ مرداد ماه ۱۳۴۵ و ۱۴ شهر ربیع‌الثانی ۱۳۸۶ قمری هجری مطابق دوم اوت ۱۹۶۶ میلادی، در کوی یوسف‌آباد طهران، با هزاران دل‌تنگی از خرابی چشم و ناسازگاری اهل خانه نوشته شد. ابن مرحوم میرزا سید علیخان نصیرلشکر مشهور به لشکر نویس باشی، سید احمد هُرْمُزِد.

<sup>۴</sup> آقای ابراهیم آقای مهدی‌زاده فرزند مرحوم آقا محمد صحاف، صحاف متبحری است که در کلیه فنون صحافی متفرد و استادی مسلم است. ولی هزار افسوس که عوارض ابتلاء به افیون - که ریشه‌اش خشک باد - رشته حیاتش را از هم گسسته و جانش را خسته و دستش را از کار باز داشته است. در چند سال پیش که حالی داشت برای متن و حاشیه کردن هر ورق دو تومان دریافت می‌داشت.

<sup>۵</sup> صحاف‌ها که هر هشت ورق را (۱۶ صفحه) توی هم قرار می‌دادند یک جزو می‌نامیدند.

<sup>۶</sup> سرلوح این قرآن کریم کامل نبود. برای تذهیب و ترسیم آن یکصد و پنجاه تومان به آقای نعمت‌اللهی، مذهب مشهور پرداختم.

<sup>۷</sup> گل و بتّه جلد این قرآن کریم قدری حک شده بود. برای تعمیر آن هم یکصد تومان به آقای نعمت‌اللهی پرداختم.